نگرشی موضوعی بر زیارت جامعهٔ کبیره
[نکته‌های پژوهشی ـ ۱۰]

نفیسه نجفی*

چکیده: زیارت جامعهٔ کبیره از مهمّ‌ترین متون در جهت امام‌شناسی است که از امام هادیعليه‌السلام روایت شده است. نگارنده در این گفتار، پس از مقدّمه‌ای کوتاه در باب امامت و معرّفی مختصر زیارت جامعه، عبارات آن را در هفت موضوع تقسیم کرده است: سلام، شهادت، ابراز علایق، دلیل عرض ارادت، دعا و توسّل، معرّفی امام و مقام امامت، شئون ائمّه.

کلید واژه: مفهوم امامت / زیارت جامعهٔ کبیره / امام هادیعليه‌السلام / زیارت مأثوره.

۱. مقدّمه

هدف خداوند از خلقت جن و انس این است که آنها به وظیفهٔ بندگی خود عمل کنند؛ چنان‌که آیهٔ شریفه می‌فرماید:

﴿وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الإنْسَ إلّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات (۵۱) / ۵۶)

---

*. مدرّس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.

در احادیثی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به ما رسیده است، اساس و پایهٔ عبادت را معرفت خدا دانسته‌اند. به عنوان نمونه، در روایتی از حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام نقل شده است:

یا أیّها الناس، إنّ الله ـ و الله ـ ما خلق العباد إلّا لیعرفوه، فإذا عرفوه عبدوه، فإذا عبدوه استغنوا بعبادته عن عبادة من سواه. (بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۹۳، ح ۴۰، از کنزالفوائد)

ای مردم، قسم به خدا، خدا بندگان را نیافرید مگر برای اینکه به او معرفت پیدا کنند؛ پس وقتی به او معرفت یافتند، به عبادت او بپردازند. پس با بندگی او از بندگی غیر او بی‌نیاز شوند.

امام حسین علیه‌السلام هدف از خلقت بندگان را در درجه اوّل، معرفت خدا و درجهٔ بعد، بندگی کردن او دانسته‌اند و این با توجّه به اهمّیّت معرفت و نقش آن در عبادت خدا کاملاً روشن است. زیرا اگر عبادت بدون معرفت انجام شود، اصلاً ارزشی ندارد. از این‌رو، هدف از خلقت انسانها این است که ابتدا معرفت یابند، آنگاه به عبادت بپردازند که در واقع، انگیزه و راهنمای آنها برای عبادت همان معرفت باشد نه عبادت بدون معرفت که در حقیقت عبادت نیست.

حقیقتی که باید توجّه به آن داشت، این است که مقام امام یک مقام اکتسابی نیست که دیگران با سعی و تلاش به آن برسند یا از آن بالاتر روند. مقام امام یک مقام موهبتی است که خداوند علیم و حکیم به کسانی از بندگانش که شایستگی دارند، اعطا می‌کند. این مقام، مقامی بس رفیع و والاست که احدی را نرسد که در مقام و منزلت به این افراد ملحق شود و بر آنها برتری یابد و پیشی گیرد و طمع نیل به آن مقام را در دل داشته باشد.

حیث لایلحقه لاحق و لایفوقه فائق و لایسبقه سابق و لایطمع فی إدراکه طامع. (زیارت جامعهٔ کبیره)

آری، کسی که در کنار دریا می‌ایستد، تنها سطح دریا را می‌بیند و نمی‌تواند از عمق آن آگاه گردد و به دیگران آگاهی بدهد. به راستی، خاندان رسول‌الله صلی الله علیه و آله اقیانوس بیکرانی هستند و ما در کنار این اقیانوس ایستاده‌ایم که جز سطحی از آن را نمی‌توانیم مشاهده کنیم؛ مگر همان مقدار که از بیانات خودشان به فضای جان و قلبمان برسد تا ما از گنگی درآمده، زبانمان به تعلیم خودشان بر مدح و ثنای‌شان باز شود و بتوانیم ادّعاها و تئوریهای دیگران در این زمینه را بشناسیم و سره را از ناسره جدا سازیم.

پس باید دید که خداوند چگونه ائمّه را معرّفی کرده است. این معرّفی در دو بخش صورت گرفته: یکی معرّفی اشخاص ایشان و دیگری معرّفی اوصاف و ویژگیهایی که خدا به آنها عطا فرموده است.

هر دو معرّفی، تنها و تنها، از طریق بیان خود ائمّه علیهم السلام صورت می‌گیرد که در واقع معرّفی خداوند است. بنابراین، برای آشنایی با ایشان باید صرفاً به احادیث خودشان مراجعه کرد. از این‌رو، ما در ضمن اسناد و مدارک واصله از امامان علیهم السلام به قالبهای گوناگونی برمی‌خوریم؛ از جمله ادعیه، احادیث، مناظرات، زیارات، خطبه‌ها، مناجاتها، نامه‌ها و... زیارات مأثوره خود به دوگونه‌اند:

۱. زیارت‌نامه‌هایی اختصاصی که امامی خاص با آن زیارت می‌شود؛ مانند: زیارت عاشورا، زیارت امام رضا و...

۲. زیارت‌نامه‌هایی که مضمونی عام و محتوایی کلی دارد و هر امامی را با آن می‌توان زیارت کرد؛ مانند: زیارت امین‌الله، زیارت مخصوص ماه رجب، زیارت جامعهٔ کبیره و...

دراین گفتار، به زیارت جامعهٔ کبیره مراجعه می‌کنیم و آن را محور شناخت امام و آشنایی با اوصاف او قرار می‌دهیم.

۲. معرّفی اجمالی زیارت جامعهٔ کبیره

بررسی سند زیارت جامعهٔ کبیره

زیارت جامعهٔ کبیره از امام هادی علیه السلام روایت شده و اقیانوسی از حقایق مربوط به امام‌شناسی را در دلِ خود جای داده است. این زیارت را، ابن‌بابویه قمی (م ۳۸۱) در من لا یحضره الفقیه و بعد از او شیخ طوسی، (م ۴۶۰) در کتاب تهذیب الاخبار آورده است. پس از آنان، دیگر محدّثان در آثار خود، آن را نقل نموده‌اند؛ کسانی چون فیض کاشانی در وافی، علّامه محمّدباقر مجلسی در بحارالانوار و از متأخّرین فقیه عظیم‌الشأن مرحوم آیت‌الله بروجردی در جامع احادیث الشیعه و سرانجام مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح‌الجنان؛ به گونه‌ای که شاید کمتر کتاب دعا و زیارتی باشد که این زیارت در آن نیامده باشد.

این زیارت را برخی از علمای عامّه و محدّثین اهل سنّت نیز در کتابهای خود ذکر کرده‌اند؛ همانند محدث جوینی در کتاب پربار فرائد السمطین. (ج ۲، ص ۱۷۹، باب ۳۹، ح ۴۶۳)

با بررسی تاریخ پی به آن می‌بریم که در دوران امامت حضرت هادی علیه السلام مکتبهای مختلفی به وجود آمده بود و به دنبال آن، کشمکش آراء و عقاید، موجب صحنه‌هایی ناگوار می‌شد. دستهای مرموز خلفا نیز برای کمرنگ جلوه دادن مکتب سازندهٔ تشیع، مکتبهای دیگر را تأیید می‌کرد و به صف‌آرایی در برابر مکتب تشیع قرار می‌داد. کار به جایی رسید که بخش مهمی از حوزهٔ تدریس امام هادی علیه السلام در راه مبارزه با این مکتبها و فرقه‌ها می‌گذشت.

طرفداران جبر از یک‌سو، فرقه واقفیه (که پس از امام کاظم علیه السلام امامت دیگر ائمّه را قبول نداشتند و امام کاظم را زنده می‌پنداشتند) از سوی دیگر، افزون بر آنها گروه صوفیه و غلات هر کدام برای خود برنامه‌ای و بدعتی ساخته بودند.

پیشوای دهم در تثبیت و محکم کردن اعتقادات به دو روش عمل کردند:

۱. بیان و شرح عمق مفاهیم اعتقادی در قالب ادعیه، احادیث، مناظرات،

زیارات و...

۲. معارضه با جریانهای فکری آن زمان برای رفع شبهات عام و خاص (سنّی و شیعه).

دو روش فوق را در نصوص باقی‌مانده از امام هادیعليه‌السلام در موضوعات مختلف می‌بینیم که فعلاً به آن نمی‌پردازیم. در این گفتار، ابتدا نگاهی کلّی بـه درون‌مـایهٔ زیارت جامعه می‌افکنیم و سپس تقسیمی موضوعی از آن ارائه می‌کنیم که در نوع خود، بدیع و ابتکاری است و می‌تواند دست مایهٔ پژوهشهای موضوعی براساس جامعه کبیره باشد. بدیهی است که به دلیل ابتکاری بودن، جای بحث و بررسی در مورد آن باز است. طرح آن در این گفتار، به همین منظور صورت مـی‌گیرد کـه بـا پیشنهادها و اصلاح و تکمیلها، پخته‌تر شود و نمایهٔ موضوعی دقیق‌تری از این سند ارزشمند امام‌شناسی تهیه گردد.

۳. نگاه کلّی به درون‌مایهٔ زیارت جامعهٔ کبیره

با کمی توجّه در زیارت جامعهٔ کبیره می‌توانیم درون‌مایهٔ زیارت را به پنج بخش تقسیم کنیم:

۱ـ سلام، ۲ـ شهادت، ۳ـ ابراز علایق، ۴ـ دلیل عرض ارادت، ۵ـ دعا و توسّل.

۳ـ۱) سلام

بخش اوّل آنکه مشتمل بر پنج سلام است و بعد از هر سلام شاید بیش از ۲۰ تا ۳۰ ویژگی را نام می‌بریم که حقیقت امامت است. در این سلامها بیان می‌شود که امام در شیعه چه جایگاهی دارد.

۳ـ۲) شهادت

یک بخش زیارت، متضمن شهادت به وحدانیت حق وگواهی به رسالت حضرت ختمی مرتبت و اقرار به امامت و پیشوایی دودمان ولایت است که در قالب حدود ۳۵ عبارت، برخی از کمالاتی که حق متعال به آنان ارزانی داشته بیان شده است.

اوّل) شهادت به وحدانیّت خداوند. **أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لاشريك له كما شهدالله لنفسه و شهدت له ملائكة و أولواالعلم من خلقه...**

دوم) شهادت به رسالت. و **أشهد أنّ محمّداً عبده المنتجب و رسولُهُ المرتضى...**

سوم) شهادت بر امامت. و **أشهد أنّكم الأئمّة الراشدون و...**

شاید یکی از اسرار تقدیم شهادت به وحدانیت و رسالت، بر شهادت به فضایل ائمّه اطهار علیهم السلام این باشد که انسان زائر را از توهم غلوّ دربارهٔ آن ذوات مقدّس بازدارد و به زائر بفهماند که کمالات ذاتی، منحصر در ذات پاک خداست و اگر در این زیارت کمالی برای پیشوایان نور ذکر می‌شود، از آن جهت است که آنان آینه‌دار کمال و جمال آن و وارثان و پرورش‌یافتگان مکتب رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند.

۳ـ۳) ابراز علایق

در مجموع این زیارت، پنج نوبت جملهٔ «**بأبي أنتم و أمّي**» با مختصر کاستی و فزونی ذکر شده که هربار، در پی آن، فصل جدیدی آغاز می‌شود. زائر در مقام بیان وضع خود نسبت به مزور، خدا و پیامبر را به گواهی می‌طلبد و عقیدهٔ خود را عرضه می‌دارد.

چنین تعبیراتی در همهٔ زمانها متداول و در میان همهٔ اقوام و ملل رایج است که وقتی می‌خواهند نهایت علاقه و محبّتشان را به کسی اظهار دارند، خود و عزیزانشان و هرچه متعلّق به آنهاست، به عنوان فدایی ذکر می‌نمایند.

۳ـ۴) دلیل عرض ارادت

در این بخش، زائر دلیل این اظهار محبّت و عرض ارادت را بیان می‌کند؛ در فقراتی چون: **بموالاتكم علّمنا الله معالم ديننا** و....

۳ـ۵) دعا و توسّل

الف: دعا. دعاهایی که در متن زیارت آمده، حاوی مفاهیم بلند توحیدی است و نشان می‌دهد که زائر وارد بر محضر امام معصوم علیه السلام تا چه اندازه باید از بنیهٔ

توحیدی قوی برخوردار باشد. در دعاهای پایانی زیارت جامعه کبیره، خطاب به خداوند متعال، از او چنین می طلبیم:

اللّهمّ إنّي... أسألك أن تدخلني في جملة العارفين بهم و بحقّهم و في زمرة المرحومين بشفاعتهم إنّك أرحم الراحمين.

ب: توسّل. مؤلّفهٔ دیگر زیارت جامعه، توسّل به امام معصوم علیه السلام است در دو قالب:

الف) درخواست از خداوند به حقّ امام. در جملات پایانی این زیارت، خطاب به خدای متعال، اهل بیت را بهترین و مقرّب‌ترین شفیعان معرّفی می‌کنیم و عرضه می داریم.

اللّهمّ إنّي لو وجدت شفعاء أقرب إليك من محمّد و أهل بيته الأخيار الأئمّة الأبرار لجعلتهم شفعائي.

ب) درخواست از خود امام. از امام علیه السلام می خواهیم در درگاه الاهی، برای ما دعا کند و شفیع شود و از پروردگارش بخواهد که گناهان ما آمرزیده شود.

يا ولي الله إنَّ بيني و بين الله عزّوجلّ ذنوباً لا يأتي عليها إلّا رضاكم؛ فبحقّ من ائتمنكم على سرّه و استرعاكم أمر خلقه و قرن طاعتكم بطاعته لمّا استوهبتم ذنوبي و كنتم شفعائي.

٤. معرّفی امام و مقام امامت در زیارت جامعهٔ کبیره

۴ـ۱) ائمّه مظاهر کامل اسماء و صفات الاهی

۴ـ۱ـ۱) المثل الاعلی

۴ـ۱ـ۲) الدعوة الحسنى

۴ـ۱ـ۳) رضيكم خلفاء في أرضه

۴ـ۱ـ۴) بكم فتح الله و بكم يختم

۴ـ۲) ائمّه اطهار علیهم‌السلام تالی قرآن

۴ـ۲ـ۱) هماهنگی و همترازی ائمّه معصومین در تمامی مراحل با قرآن

۴ـ۲ـ۱ـ۱) مهبط الوحی

۴ـ۲ـ۱ـ۲) تراجمة لوحیه

۴ـ۲ـ۱ـ۳) حملة کتاب‌الله

۴ـ۲ـ۲) صفات مشترک قرآن با ائمّه معصومین علیهم‌السلام در زیارت جامعه کبیره

۴ـ۲ـ۲ـ۱) فصل الخطاب

۴ـ۲ـ۲ـ۲) اهل الذکر

۴ـ۲ـ۲ـ۳) نور

۴ـ۲ـ۲ـ۴) شفا

۴ـ۲ـ۲ـ۵) رشد

۴ـ۲ـ۲ـ۶) عزیز

۵. اوصاف و کمالات موهبتی امام در جامعه کبیره

۵ـ۱) صفات موهبتی الاهی مستقیم

۵ـ۱ـ۱) خزّان العلم، خزنة لعلمه، عیبة علمه

۵ـ۱ـ۲) منتهی الحلم

۵ـ۱ـ۳) أولیاء النعم

۵ـ۱ـ۴) عناصرالابرار و دعائم الأخیار

۵ـ۲) صفات موهبتی الاهی غیرمستقیم

۵ـ۲ـ۱) صفات ثبوتی از راه وراثت انبیای گذشته

۵ـ۲ـ۱ـ۱) سلالة النبیین

۵ـ۲ـ۱ـ۲) ورثة الأنبیاء

۵ـ۲ـ۱ـ۳) میراث النبوّة عندکم

۵ـ۲ـ۱ـ۴) عندکم ما نزلت به رسله و هبطت به ملائکه

۵ـ۲ـ۲) صفات ثبوتی از راه وراثت خاتم الانبیاء

۵ـ۲ـ۲ـ۱) عترة خیرة رب العالمین

۵ـ۲ـ۲ـ۲) أوصیاء نبیّ الله

۵ـ۲ـ۲ـ۳) ذریّة رسول‌الله

۵ـ۲ـ۲ـ۴) «عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهّرکم من الدنس و أذهب عنکم الرجس أهل‌البیت و یطهّرکم تطهیراً»

۵ـ۲ـ۴) عملکرد ائمّه در قبال این صفات (فعظّمتم جلاله و أکبرتم شأنه؛ ومجّدتم کرمه وأدمتم ذکره و وکّدتم میثاقه)

۵ـ۳) صفات موهبتی اخلاقی

۵ـ۳ـ۱) المکرمون

۵ـ۳ـ۲) المتّقون

۵ـ۳ـ۳) الصادقون

۵ـ۳ـ۴) المقرّبون

۵ـ۳ـ۵) المطیعون للّه

٦. شئونات ائمّه

۶ـ۱) شأن امام در جهان خلقت (تکوین)

۶ـ۱ـ۱) خلفاء فی ارضه (امناء الرحمن)

۶ـ۱ـ۲) شهداء علی خلقه؛ شهداء دارالفنا

۶ـ۱ـ۳) ارکان البلاد

۶ـ۱ـ۴) بکم ینزل الغیث

۶ـ۱ـ۵) بکم یمسک السماء أن تقع علی الارض إلّا بإذنه

۶ـ۱ـ۶) اشرقت الأرض بنورکم

۶ـ۱ـ۷) کهف الوری

۶ـ۱ـ۸) استرعاکم أمر خلقه

۶ـ۲) شأن امام در دین (تشریع)

۶ـ۲ـ۱) أبواب الإیمان

۶ـ۲ـ۲) أرکان لتوحیده

۶ـ۲ـ۲ـ۱) پذیرش توحید منوط به ولایت: قرن طاعتکم ؛من أراد الله بدأ بکم؛ والباب المبتلی به الناس؛

۶ـ۲ـ۲ـ۲) تعلیم توحید صحیح: من وحّده قبل عنکم

۶ـ۲ـ۳) صراطه

۶ـ۲ـ۴) بموالاتکم تقبل الطاعة

۶ـ۲ـ۵) ائمّة الهدی

۶ـ۲ـ۶) أعلام التقی

۶ـ۲ـ۷) حجّته و برهانه

۶ـ۲ـ۸) أنصاراً لدینه

۶ـ۲ـ۸ـ۱) صبرتم علی ما أصابکم في جنبه؛

۶ـ۲ـ۸ـ۲) أقمتم الصلاة؛

۶ـ۲ـ۸ـ۳) أتیتم الزکاة؛

۶ـ۲ـ۸ـ۴) أمرتم بالمعروف؛

۶ـ۲ـ۸ـ۵) نهیتم عن المنکر؛

۶ـ۲ـ۸ـ۶) جاهدتم في الله حق جهاده؛

۶ـ۲ـ۸ـ۷) أعلنتم دعوته؛

۶ـ۲ـ۸ـ۸) بیّنتم فرائضه؛

۶ـ۲ـ۸ـ۹) أقمتم حدوده؛

۶ـ۲ـ۸ـ۱۰) نشرتم شرایع أحکامه.